

## مقایسه جملات بی‌شخص در زبان روسی و فارسی

حسین لسانی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۲/۱۰/۲۴

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۲/۵

### چکیده

در این مقاله سعی شده است، نقطه‌نظرات زبانشناسان کشورهای مشترک‌المنافع در مورد جملات بدون شخص با یکدیگر مقایسه گردد. افعال بدون شخص، در زبان فارسی و روسی می‌توانند به صورت اشکال منجمد و تغییرناپذیر ظاهر گردند. در این مقاله، جملات بدون شخص زبان روسی و فارسی از لحاظ نحوی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. مولف سعی نموده، نقطه‌نظرات خود را در مورد جملات بدون شخص و در مورد اظهارات سایر زبانشناسان بیان نماید. در پایان مقاله، نتیجه حاصل از تحقیق و بررسی جملات بی‌شخص زبان روسی و فارسی و مطالعات مولف بیان گردیده است.

**واژه‌های کلیدی:** جملات بی‌شخص و باشخص، گروه اسمی و فعلی، مضارع التزامی، بن فعل

## مقدمه

در دستور زبان فارسی مبحث جملات بی‌شخص، تا آنجایی که من اطلاع دارم، بطور کامل و مفصل از سوی زبان‌شناسان ایرانی مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است. در برخی از نوشته‌ها زبان‌شناسان ایرانی، فقط به تعریف این گونه جملات با ذکر مثال اکتفا کرده‌اند. زبان‌شناسان کشورهای مشترک‌المنافع، به علت این‌که این بخش دستوری دقیقاً در زبان روسی به نام افعال بی‌شخص یا جملات بی‌شخص (Безличные глаголы или предложения) وجود دارد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به بحث و مطالعه کامل جملات بی‌شخص زبان فارسی در آثار خود پرداخته‌اند.

از سال ۱۹۴۱ الفرد ارنس در اثر معروف خود «نحو مختصر زبان فارسی ادبی معاصر» تجزیه و تحلیل جملات بی‌شخص را آغاز نمود پس از وی لازار پیسیکوف با مطالعه و بهره‌گیری کامل از نوشته‌های ارنس توانست تا حدودی مفهوم جملات بی‌شخص را بسط و گسترش دهد، پس از این دو، یوری روبینچیک دیگر، زبان‌شناس کشورهای مشترک‌المنافع، بعد از مطالعه و بررسی نوشته‌های همکاران پیشین خود، جملات بی‌شخص را به تعداد گروه‌های بیشتری تقسیم کرده است. حسن محمودزاده، به شهادت کتاب‌هایی که در اختیار دارم، شاید آخرین زبان‌شناس کشورهای مشترک‌المنافع باشد که تعریف بسیار صحیحی از جملات بی‌شخص زبان فارسی را ارائه نموده و آن‌ها را به دو گروه اسمی و فعلی تقسیم می‌نماید.

در این مقاله کوشیده‌ایم تا جملات بی‌شخص زبان روسی و فارسی را با یکدیگر مقایسه کرده و حتی‌المقدور وجه اشتراک و تمایز آن‌ها را بنمایانم.

جملات بی‌شخص هم در زبان روسی و هم در زبان فارسی، جملاتی‌اند که نمی‌توان برای آن‌ها مسندالیه، نهاد یا فاعل متصور شد. مثال جملات بی‌شخص در زبان روسی: *смеркается* (غروب می‌شود، تاریک می‌شود) *рассветает* (هوا روشن می‌شود)، مثال جملات بی‌شخص در زبان فارسی: نتوان گفت، نمی‌شود رفت، نمی‌توان فهمید. والگینا در اثر خود به نام «دستور زبان روسی معاصر» می‌نویسد: «افعال بی‌شخص هسته مرکزی جملات بی‌شخص را تشکیل می‌دهند» (والگینا، ۲۰۰۱، ص ۲۴۷).

در زبان روسی افعال یاد شده از لحاظ جنس و شمار تغییر نمی‌کنند. همیشه این افعال به صورت سوم شخص مفرد زمان حال یا آینده و در زمان گذشته، به صورت خنثی به کار می‌روند. مثال:

*Смеркалось* (زمان گذشته) *будет смеркаться*، (زمان آینده) *Смеркается* (زمان حال)

در زبان فارسی جملات بی‌شخص به طور معمول از ترکیب دو واژه ساخته شده‌اند. در ساختار جملات بی‌شخص در زبان فارسی، واژه‌هایی از قبیل: باید، بایست، نشاید، نمی‌توان، می‌شود، نمی‌شود و می‌توان با بن ماضی فعل مورد نظر به کار می‌رود. مثال: باید شنید، نمی‌توان گفت، می‌شود رفت و غیره.

در مثال‌های یاد شده، نمی‌توان از نهاد یا فاعل، بدون تغییر در بن ماضی استفاده کرد. اما چنانچه به جای بن ماضی، مضارع التزامی (آئوریست) را به کار بریم، می‌توان در مثال‌های بالا نهاد یا فاعل را به کار برد، که در این صورت، این‌گونه ترکیب‌ها را جملات بی‌شخص نمی‌نامیم، چون دارای فاعل یا نهاد یا مسندالیه‌اند. مثال: من باید بشنوم، او نمی‌تواند بگوید، آن‌ها می‌توانند بروند و غیره.

احمد شفایی در کتاب «مبانی علمی دستور زبان فارسی» می‌نویسد: «... حال آن‌که بین اشکال «باید گفت» و «نشاید رفت» ... از یک طرف و اشکال «نمی‌توان فهمید» و «می‌شود گفت» و ... از طرف دیگر، تفاوت محسوسی نیز وجود دارد. دسته اول در فارسی معاصر هرگز در صورت شخص‌دار به کار نمی‌روند و حال آن‌که دسته دوم می‌تواند در موارد معینی باشخص به کار روند.» (احمد شفایی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۸).

بر این باورم که در صحت نوشته‌های یاد شده می‌توان شک و تردید کرد، زیرا که ترکیب «باید گفت» را می‌توان به صورت جمله باشخص بیان کرد: او باید بگوید. اما در مورد ترکیب «نشاید رفت» احمد شفایی محق است، زیرا در زبان

فارسی، این ترکیب را به گونه دیگر نمی توان ساخت.

احمد شفايي در توضیح خود ادعا می کند که ترکیب «می شود گفت» را می توان بصورت جمله باشخص بیان کرد و این ترکیب را به عنوان مثال در نظر می گیرد: افسرده نمی شوم (همان، ص ۱۶۸).

به نظر من، «ترکیب می شود گفت» دقیقاً از جملات بی شخص زبان فارسی است و آن را نمی توان به صورت باشخص بیان کرد. مثال احمد شفايي «افسرده نمی شوم» یا «من افسرده نمی شوم» از مسندالیه مسند، و فعل ربطی «شدن» تشکیل شده است و هیچ گونه تشابهی از نظر ساختاری با ترکیب «می شود گفت» ندارد.

آ.و. ایساچنکو در کتاب «ساختار دستوری زبان روسی» می نویسد: افعال بدون شخص (смеркается, вечереет) و همچنین جملات بدون شخص **мне не хочется** فاقد شمار جمع اند (ایساچنکو، ۱۹۶۰، ص ۱۴۷).

محمدرضا باطنی در کتاب «توصیف ساختمان زبان فارسی» به طبقه غیرشخصی افعال اشاره می کند که بر شخص و شمار دلالت نمی کند، مانند: نتوان گفت، باید دید و غیره (محمدرضا باطنی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱).

داوری هر دو زبانشناس (ایساچنکو و باطنی) درباره شخص و شمار، در زبان فارسی، و فقدان شمار جمع، در زبان روسی، درست و بجاست. به نظر مؤلف، جملات بی شخص زبان فارسی که با کمک واژه های «باید، نتوان، می شود، نمی شود و...» ساخته می شوند، بی شک بدون شمار و شخص اند. بن مضارع یا مصدر مرخم که تشکیل دهنده جزء دوم جملات بی شخص گروه یاد شده اند، در زبان فارسی فاقد شمار و شخص اند. از این روست که می توان عنوان کرد، چنین جملاتی بدون شخص و شمارند.

در زبان روسی جملات بی شخص از لحاظ شخص، جنس و شمار تغییر نمی کنند، به عبارت دیگر، همان گونه که با مثال عنوان شد، در زبان روسی افعال بی شخص همیشه در زمان حال و آینده به صورت سوم شخص مفرد و در زمان گذشته، به صورت خنثی به کار می روند.

افعال بی شخص در زبان روسی و در زبان فارسی در وجه امری به کار نمی روند.

افعال بی شخص در زبان روسی در وجه شرطی به کار می روند، ولی در زبان فارسی در وجه یاد شده کاربرد ندارند، زیرا جزء دوم این گونه جملات را بن ماضی تشکیل می دهد.

در جلد اول دستور زبان روسی آکادمی علوم شوروی از افعال بدون شخص به عنوان **бессубъектные глаголы** نام می برد. (آکادمی علوم شوروی، ۱۹۸۲، ص ۶۳۹)

وینوگرافد مؤلف کتاب **زبان روسی**، افعال بی شخص را به چندین گروه تقسیم می کند که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱- افعالی که بیان کننده پدیده های طبیعی اند:

Светаёт, вечереет, похаладало, морозит, смеркается و غیره

افعالی که بیان کننده وضعیت جسمانی و فیزیکی انسان اند:

Ревёт, тошнит, мне уши заложило, лихорадит, знобит, не здоревится و غیره

در زبان فارسی نیز می توان جملات بی شخص را به گروه های زیر تقسیم کرد.

جملاتی که از دو جزء تشکیل شده اند. در جزء اول واژه های باید، بایست، شاید، نشاید، نمی توان، می شود و در جزء دوم بن ماضی فعل مورد نظر به کار می رود. مانند: نمی توان خورد، می شود فهمید، باید دوید و غیره.

جملاتی که از ترکیب اسم یا صفت، ضمیر ملکی متصل و فعل فقط به صورت سوم شخص مفرد تشکیل شده اند مانند: بدم آمد، خوشش آمد، گریه مان گرفت، سردش شد، گرم شد؟ و غیره.

در جملات مربوط به بند دو، می توان نهاد گونه اضافه کرد. ولی این واژه اضافه شده از لحاظ شخص به هیچ وجه به افعال سوم شخص مفرد مطابقت ندارد. واژه اضافه شده، فقط با ضمیر ملکی متصل که به اسم یا صفت اضافه می شوند،

مطابقت دارد. از این روست که به این گونه جملات، بدون شخص گویند. مثال: من بدم آمد، او خوشش آمد، ما گریه‌مان گرفت، شما سردتان شد، تو گرم‌ت شد؟

در مثالهای یاد شده، ضمائر متصل ملکی - م، ش، مان، تان، ت را که به واژه‌های بد، خوش، گریه، سرد و گرم اضافه شده، به هیچ وجه نمی‌توان شناسه محسوب نمود. در این جملات شناسه سوم شخص مفرد در بن ماضی (ماضی ساده) واژه‌های آمد، گرفت، شد و شد مستتر است.

از آن جا که این گونه جملات، به علت این که نهاد گونه با فعل، از لحاظ شخص و شمار، با یکدیگر هم‌آهنگی ندارند، جزء گروه جملات بی‌شخص محسوب می‌شوند. در مثال‌های یاد شده، همیشه فعل به صورت سوم شخص مفرد به کار می‌رود، در صورتی که نهاد می‌تواند در هماهنگی با سایر اشخاص در شمار جمع نیز به کار رود.

در زبان فارسی جملات بی‌شخص را نمی‌توان از جملات باشخص، بدون تغییر در ساختار جمله، ساخت. مثال:

او باید برود (جمله باشخص) باید رفت (جمله بی‌شخص)

همانطوری که ملاحظه می‌کنید، در جمله با شخص یاد شده، به جای بن ماضی (رفت) از مضارع التزامی (برود) استفاده شده است، و جمله از لحاظ ساختاری و هم از لحاظ معنی، با جمله بی‌شخص (باید رفت) متفاوت است.

محمد مهبیار در «فرهنگ دستوری» از افعال احساسی، فعل لازم یک شخصه، فعل بیان حالت، که به نظر من همان افعال بی‌شخص‌اند، چنین برداشتی دارد: «فعلی است که به صورت لازم و فقط در ساخت سوم شخص مفرد به کار می‌رود و به جای شناسه، ضمیر شخصی متصل می‌گیرد. این فعل غالباً در بیان احساس به کار می‌رود مانند: خوشش آمد، سردم شد، لجشان گرفت، گرم‌تان شد و غیره» (مهبیار، ۱۳۷۶، ص ۱۶۷).

محمد مهبیار، در تعریف افعال بدون شخص، که در بالا به آن اشاره رفت، دچار اشتباه شده است.

برخی از زبان‌شناسان روسی بر آنند که برخی از افعال روسی می‌توانند باشخص و بدون شخص محسوب گردند. مانند:

1. Пирожок с мясом вкусно пахнет.

1a. На кухне пахнет пирожками.

2. Река шумит.

2a. В ушах шумят.

می‌پندارم که اگر نظر این زبان‌شناسان را قبول کنیم، در آن صورت به تعریف دقیق افعال بی‌شخص خدشه وارد شده است. زیرا:

۱- افعال بدون شخص به هیچ وجه و در هیچ ساختاری نمی‌توانند در کنار خود نهاد یا فاعل یا مسندالیه داشته باشند. در صورتی که در مثال شماره ۱ ترکیب ПИРОЖОК С МЯСОМ، نهاد جمله محسوب می‌شود.

۲- افعال بدون شخص، همیشه به صورت سوم شخص مفرد به کار می‌روند. در صورتی که در جمله شماره ۲a، فعل جمله به صورت سوم شخص جمع به کار رفته است.

بلاشاپکوا در کتاب «زبان روسی معاصر» از افعال بدون شخص نام می‌برد که فقط با شناسه سوم شخص مفرد به کار می‌روند (بلاشاپکوا، ۱۹۸۹، ص ۴۹۸).

ل.ای.رخمانوا در کتاب «زبان روسی معاصر» می‌نویسد: «گاهی در زبان ادبی روسی برخی از افعال که اکثر زبان‌شناسان آن‌ها را جزء افعال بدون شخص محسوب می‌نمایند، به صورت با شخص به کار می‌روند» (رخمانوا، ۱۹۹۷، ص ۴۰۳). مانند:

Вдруг – я во всю светаю.мочь –и снова день трезвонится

فعل **светаю** به نظر تمام زبان‌شناسان، جزء افعال بدون شخص محسوب می‌شود، در جمله بالا، این فعل فقط به خاطر زبان ادبی به صورت باشخص به کار رفته است. این تناقض با آنچه در مورد افعال بدون شخص گفته شده بسیار نادر و توسط

شاعران، آن هم فقط در اشعار آنان مشاهده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

مؤلف ضمن بررسی و تحقیق جملات بی‌شخص زبان فارسی و روسی و مقایسه مثال‌های بسیار زیاد در هر دو زبان، در مورد وجه مشترک و تمایز این گونه افعال، به نتایج زیر رسیده است:

در زبان فارسی، تعداد بی‌شماری از افعال باشخص می‌توانند با کمک اشکال مختلف فعل توانستن، واژه‌های باید، بایستی، می‌شود، نمی‌شود و غیره به افعال بدون شخص تبدیل شوند. با این یادآوری که ساختار و مفهوم این دو دسته از جملات، با یکدیگر متفاوت است.

در زبان روسی برخی از افعال باشخص می‌توانند با کمک ادات **ся** به فعل بدون شخص تبدیل شوند. در این زبان همچنین جملات بی‌شخص در هر سه زمان و حتی وجه شرطی به کار می‌روند، در صورتی که در زبان فارسی ساختار آن‌ها منجمد و تغییرناپذیرند.

در زبان روسی و فارسی، جملات بی‌شخص در وجه امری کاربرد ندارند. در این دو زبان به جملاتی بی‌شخص اتلاق می‌شود که فعل جمله، بدون نهاد، مسندالیه یا فاعل باشد.

### منابع

- ۱- باطنی، محمدرضا؛ **توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی**، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲- شفائی، احمد؛ **مبانی علمی دستور زبان فارسی**، چاپخانه خوشه، چاپ اول، تهران ۱۳۶۳.
- ۳- مهیار، محمد؛ **فرهنگ دستوری**، چاپ اول، نشر میترا، تهران ۱۳۷۶.
- 4- Белошапкова, В.А., **Современный русский язык**, Высшая школа, издание второе, М., 1989.
- 5- Валгина, Н.С., **Современный русский язык**, Логос, издание шестое, М., 2001.
- 6- Виноградов, В.В., **Русский язык**, Высшая школа, издание второе, М., 1972.
- 7- Исаченко, А.В., **Грамматический строй русского языка**, часть вторая, Братинслава, 1960.
- 8- Лекант, П.А., **Русская грамматика**, Дрофа, издание второе, М., 2001.
- 9- Рахманова, М., **Современный русский язык**, ЧеРо, М., 1997.